

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال پنجم، شماره ۴، پیاپی ۱۹، زمستان ۱۴۰۰
صفحات: ۱۸۲-۱۷۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰
نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ تشیع در ایلام از صفویه تا پهلوی

ابراهیم نظری*

چکیده

ایلام سرزمینی کهن از ایران زمین است که در طول تاریخ فرهنگ های مختلفی را تجربه کرده است. اما آنچه در این سرزمین پایدار مانده است؛ فرهنگ تشیع است. که در این مختصر به بیان جغرافیای طبیعی و وجه تسمیه، حوادث سیاسی و والیان در دوران مختلف، علما و اندیشمندان و نشانه های تشیع خواهیم پرداخت. ایلامی که در طی دوره مورد بررسی یعنی از صفویه تا پهلوی تحت عنوان پشتکوه نامیده می شده است با عنایت به اینکه از لحاظ ژئوپلیتیک دروازه ورود تشیع به ایران محسوب می شده است، دوران های مختلفی را تجربه کرده است.

کلید واژه ها

ایلام، پشتکوه، تشیع، والیان، صفویه، پهلوی.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
amir13901396@gmail.com

مقدمه

در حوادث گذشته را دو حیث می‌توان ملاحظه کرد. یکی از نگاه تاریخی و دیگری از نگاه فلسفی. رویکرد اول کاری است که غالب گزارش نویسان انجام می‌دهند و حوادث گذشته را انگونه که دیده‌اند یا شنیده‌اند یا در نوشته‌های دیگران خوانده‌اند، به رشته تحریر در می‌آورند و آثار تاریخی را به وجود می‌آورند. در رویکرد دوم محقق می‌کوشد از مطالعه حوادث تاریخ علل به وجود آمدن آن حوادث را بررسی کند. در این راستا یکی از رویدادهای سترگ تاریخ ایران پذیرش تشیع است. علاوه بر آنچه ذکر شد، واکاوی تاریخ دوره اسلامی و نمایاندن خدمات متقابل ایران و اسلام و تعیین سهم هریک از شهرهای اسلامی و مسلمان نشین در تکمیل و تکوین بنای فرهنگی و تمدن اسلامی - شیعی کمترین کاری است که می‌توانیم در راستای تحقق آرمان‌های اسلام تشیع انجام دهیم.

جغرافیای ایلام

از آنجایی که کنکاش و جستجو در تاریخ ایلام در دوره یاد شده و بعد از آن برابر نامیده شدن این منطقه به پشتکوه توأم بوده است لذا ضروری است قبل از هرگونه بررسی و ارائه تحقیق در خصوص ایلام به ارائه پیشینه‌ای از این منطقه بپردازیم. ناحیه مورد نظر منطقه ای تاریخی استدر باختر ایران که تقریباً با استان ایلام کنونی مطابقت دارد. از دوره صفویه، لر کوچک به لرستان کنونی معروف شد. این منطقه در زمان سلطنت آقا محمد خان قاجار به دو منطقه پشت کوه و پیش کوه تقسیم شد. کبیرکوه از کوه های مهم و بلند کوهستان زاگرس و مرز میان دو منطقه بود. البته برخی جغرافی نویسان رود بزرگ سیمره را مرز میان پیش کوه و پشت کوه دانسته اند. پشت کوه بدان سبب که در پشت کبیر کوه قرار گرفته به این نام شناخته شده است. این منطقه از شمالغرب به سرزمین کلهرها، از شمالشرق و جنوبشرق به رودخانه سیمره و کرخه و از جنوب و جنوب غرب به جلگه بین النهرین محدود است. مرزی بودن پشت کوه و حکومت فرمانروایان توانای آن سبب معروفیت آن شده است. این منطقه را شامل قسمتی از رشته کوه های زاگرس و دشت های میان این کوه ها دانسته اند. این کوه ها به صورت نفوذ ناپذیری از کناره ی راست رود کرخه تا مرز امتداد دارند. آنها از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده اند(افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۱۵).

کبیرکوه عظیم ترین و منظم ترین رشته کوه ناحیه است که با طول ۱۶۰ کیلومتر مانند دیوار بلندی پشتکوه را از داخل ایران جدا می کند. گیرشمن از زیستگاه قوم کاسی در غرب ایران و دامنه های کوهستان زاگرس سخن گفته و از این صحبت اینگونه بدست می آید که منطقه پشتکوه در نیمه نخست

هزاره ی دوم قبل از میلاد زیستگاه این قوم باستانی بوده است. آنها از اینجا به جلگه بین النهرین سرازیر شده بر امپراطوری بابل دست یافتند و توانستند نزدیک به ۶ قرن بر آن فرمان برانند. برخی نیز مانند راولینسون پشتکوه را منطبق با ناحیه ی تاریخی ماسبذان دانسته اند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۹۵)

از نوشته برخی از جغرافی نویسان چنین بر می آید که ماسبذان از سرزمین های پهلویان بوده و یاقوت نیز از قول شیروی پسر شهردار آن را یکی از شهرهای هفتگانه پهلویان به شمار آورده است. با ورود اسلام به ایران برخی از تاریخدانان مسلمان مانند بلاذری گشودن ماسبذان را به ابوموسی اشعری نسبت داده اند. بنابه نوشته او ابوموسی پس از بازگشت از نهبوند و پیروزی بر دینور به ماسبذان رفت، مردم آنجا و نیز اهل شیروان یا سیروان (یکی از مراکز ولایت ماسبذان) با وی صلح کردند و جزیه و خراج پرداختند و او بر سرزمینشان تسلط یافت. بلاذری افزوده است که به عقیده برخی ابوموسی ماسبذان را پیش از نبرد نهبوند گشوده بود. در زمان خلیفه عباسی الزالع... که همزمان شاهان آل بویه نیز در ایران سلطنت داشتند. حسنویه پسر برزکان (برزی کانی) بر پشت کوه و پیش کوه فرمانروا گردید. تا زمانی که در دژ سرماج در گذشت.

اتابکان لر کوچک از ۵۸۰ تا ۱۰۰۶ قمری بر این سرزمین حکومت کردند. با کشته شدن شاه وردی خان، واپسین اتابک لر در ۱۰۰۶ قمری به فرمان شاه عباس، فرمانروایی آنان در پشت کوه و پیشکوه پایان پذیرفته به جای آنان حکومت سلسله ی دیگری از فرمانروایان لر به نام والیان لرستان بر این سرزمین آغاز گردید. حکومت والیان تا سال ۱۲۱۱ هجری قمری به درازا کشید و در این هنگام آقا محمد خان قاجار پس از برانداختن سلسله ی زندیه به منظور کاستن از قدرت والی لرستان پشتکوه را از دیگر نقاط لرستان جدا کرد. و از این پس قلمرو والی تنها به پشتکوه محدود گردید. والی در همان سال از اقامتگاه خود در خرم آباد نقل مکان کرد و به همراه بخش هایی از طائفه ها به پشت کوه عقب نشست. به همین سبب از آغاز سلطنت فتحلی شاه قاجار عنوان والی لرستان به والی پشت کوه تبدیل شد. به هنگام سلطنت فتحلی شاه والی گری پشت کوه با حسن خان بود و او از حکومت مرکزی ایران فرمانبرداری می کرد و مرکز حکومت را از خرم آباد به ایلام منتقل کرد.

از مشهورترین والیان پشتکوه می توان به حسین قلی خان ابوقداره اشاره کرد که مردی جنگجو و کاردان بود. او در موضوع اختلاف مرزی با عرب ها به جنگ پرداخت و آنها را تا کرانه ی دجله عقب راند. حسینقلی در سپاه ایران درجه امیرتومانی (سرلشکری) داشت. او در پیش کوه نیز اعمال نفوذ کرد و چندبار مامور جنگ با طائفه های پیش کوه شد. حاج سیاح که در سال ۱۲۹۷ هجری قمری از پشت کوه دیدن کرده با حسینقلی خان و پسرانش در مرکز والی (ده بالا) ملاقات کرده و از مهابت و سطوت او

سخن گفته است. پس از حسینقلی خان پسرش غلامرضا خان ابوقداره، والی پشت کوه گردید و تا سال ۱۲۹۹ هجری شمسی بر پشت کوه حکومت کرد. وی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی به عراق پناهنده شد و در همان جا درگذشت و بدین سان حکومت والیان برجیده شد (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۱۱۵).

حوادث سیاسی و والیان

در اوایل سده شانزده میلادی دولت صفوی تشکیل شد، این دولت مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام کرد. و دولت سنی مذهب عثمانی را علیه ایران برانگیخت. شاه اسماعیل و مخصوصا شاه عباس اول کوشیدند که با ایجاد استقلال مذهبی در دنیای اسلام تسنن استقلال سیاسی ایران را حفظ کنند. و ایران را از متابعت قدرت بزرگ سنی مذهب آن روز، امپراتوری عثمانی که ادعای خلافت بر مسلمانان را می کرد، دور نگه دارد. در طول زمامدار صفویان ایران با همسایه غربی خود فراز و فرود های بسیاری را پشت سر گذراند و شاهد درگیری های متعدد در این برهه بوده ایم، که گاه با پیروزی و گاه با شکست سپاه ایران توأم بوده است. در اواخر حکومت صفویه و با روی کار آمدن شاه تهماسب دوم و در حالی که نادر شاه در شرف قدرت گرفتن بود جنگی بین سپاه عثمانی و ایران در گرفت که در این جنگ شاه تهماسب شکست خورده و براساس قراردادی که با عثمانی ها منعقد گردید کلیه اراضی قفقاز که در آن سوی ارس قرار داشتند ولایت های غربی ایران از جمله ایلام و لرستان در اختیار دولت عثمانی قرار گرفتند. نادرشاه انعقاد پیمان فوق را بی اعتبار قلمداد کرد و در مجلس مشاوره ای که از بزرگان تشکیل داد شاه تهماسب را از سلطنت خلع کرد تا فرزند هشت ماه اش عباس میرزا شاه شود. نادر پس از این اقدام، اقدام به تصرف بغداد و بین النهرین نمود و در تابستان ۱۱۵۶ هجری قمری موصل را محاصره کرد که بنا بر شواهد تاریخی نادر در حمله به سرزمین های غرب ایران و بین النهرین از ایلام کنونی، به علت نزدیکی به بغداد، اقدام به لشکرکشی نموده است. و وجود روستایی بنام سنگر نادر در شهرستان دهلران را می توان نشانه ای محکم بر این کار دانست. اقدامی که سبب همراهی بسیاری از شیعیان با وی در این نبرد بوده است به ویژه ساکنان ایلام کنونی.

با برتخت نشستن نادر وی در سال ۱۷۴۳ میلادی و سال های بعد با عثمانی جنگید و چون هیچ یک از دو طرف پیروزی قطعی بدست نیاوردند اقدام های اولیه برای برقراری صلح به عمل آمد. و پس از انجام مذاکرات طرفین با امضای پیمان صلح کردان درنوزده شعبان ۱۱۵۹ هجری قمری به مخاصمات خود پایان دادند (لشکری، ۱۳۷۵: ۴۵۷).

در زمان قاجار و پهلوی رویدادهای خاصی به وجود نیامد تا اینکه با وقوع جنگ جهانی اول و برافروخته شدن جنگ بین دول اروپایی و درگیری بسیاری از کشورها در این بلای خانمان سوز، اتفاقات و رویدادهای سیاسی بسیاری در بین دولت‌ها به ویژه کشورهای مسلمان خاورمیانه به وجود آمد. از جمله این وقایع فروپاشی دولت عثمانی بود که داعیه‌ی خلافت مسلمانان را داشت و بعد از حادثه مهم در جهان اسلام بود که ایران با کشورهای جدا شده از عثمانی یعنی دول عراق و ترکیه هم مرز شد و از آنجایی که روابط ایران به عنوان کشور شیعی با عثمانی به عنوان امپراطوری سنیان و اهل سنت همواره فراز و فرودهای فراوانی داشته، اینک و در فضایی جدید ایران با کشورهای شیعی هم مرز شده که بسیاری از تاریخ نگاران و مورخان و کساینی که با مذاهب و مذهب قلمفرسایی کرده اند، ظهور و تکوین تشیع در ایران را ریشه در اتفاقات آنسوی مرزها یعنی کشور عراق می‌دیدند(همان).

والیان

منطقه ایلام(پشتکوه) در زمان صفویه و قبل از آن دارای حکمرانان خاص خود بوده است که قبل از صفویه به نام اتابک و بعد از صفویان تحت عنوان والی حکمرانی می‌کرده اند. والیان در طی حکمرانی خود سر منشاء خدمات فراوانی به مذهب تشیع بوده اند و همواره از حامیان و مدافعان تشیع به حساب می‌آمده اند. از جمله‌ی این اقدامات بسیج نیروها در طی دوران‌های مختلف برای مقابله با دولت عثمانی و جمع آوری سپاه برای جنگ با این دولت که خود را خلیفه‌ی مسلمانان می‌دانند بوده است. البته والیان در زمان حکمرانی سلسله‌های مختلف در ایران رویکردهای متفاوتی در نوع برخورد با حکومت مرکزی داشتند. گاهی با دولت مرکزی دست‌نواستی و بیعت داده و از آنها تمکین می‌کردند و به آنها مالیات هم پرداخت می‌کردند و بعضی از مواقع در اطاعت‌پذیری از حکومت مرکزی تمکین لازم را نداشتند و گاهی درگیری‌هایی با هم داشتند و حکومت مرکزی نیز در این زمینه از چند گاهی دست به یکسری اقدامات در جهت کنترل حکمرانان پشتکوه می‌زدند. قدرت والیان در ابتدا به صورت یک حاکم منسوب طرف شاه بود و رفته رفته قدرت آنان فزونی یافت و تمام پشتکوه و پیششکوه را تحت سیطره‌ی خود درآوردند و تمام مرزهای عثمانی در ایران را در خاک ایلام(پشتکوه) حفاظت می‌کردند و بر آن مناطق فرمانروایی داشتند.

از جمله این والیان حسین قلی خان می‌باشد که حاکمیت ولی بر پشتکوه توسط حکومت مرکزی به رسمیت شناخته می‌شود. وی که از والیان جوان و به نام این منطقه محسوب می‌شود توانست بر تمام قلمرو پشتکوه تسلط پیدا کند. وی با ایجاد امنیت در مناطق جنوبی پشتکوه و خوزستان توانست انتظام و

امنیت بیشتری را برای رفت و آمد تجار و زائران عتبات عالیات و مکه ایجاد کند و در خوزستان و دزفول و کرمانشاه و لرستان در خدمت حکومت مرکزی حاضر می شده است (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۵۳) و نیز نقش والیان در بسط و توسعه تشیع را نباید نادیده گرفت چرا که آنان شیعه بوده و از رود مرام های دیگر جلوگیری می نمودند و در این خصوص به شدت برخورد می کردند. البته گواه بر این مدعا می تواند شهود زیادی باشد منجمله:

یکی از والیان این منطقه به نام حسین خان فرزند منصور بیک از طائفه ی میرهای ربیعه بوده که در سال ۱۰۰۶ هجری قمری از سوی شاه عباس به سمت اولین والی لرستان منسوب می شود. قبیله ی ربیعه یکی از قبایل شیعی و مشهور عرب در علم و ادب بوده که در عراق ساکن بوده اند و حسین خان از این قبیله می باشد (ساک، ۱۳۴۳: ۲۵۹)

دوم؛ شاهان صفوی به دنبال به قدرت رساندن شیعیان بودند و سعی می نمودند کسانی را به حکومت برسانند که شیعه باشند.

سوم؛ اسامی اغلب والیان برگرفته از اسامی ائمه اطهار (ع) می باشد مانند حسین خان، حسن خان، علی خان و

چهارم، سنگ نوشته هایی که از عهد والیان به جای مانده است باز موید دیگری می باشد که در آغاز اغلب این سنگ نوشته ها (یا علی مدد) حکاکی شده است.

پنجم؛ حکام لر کوچک و والیان پشتکوه از دیر باز خود را حاکم شرعی و عرفی مردم این منطقه می دانستند و معتقد بودند که از نسل حضرت ابوالفضل عباس (ع) فرزند حضرت علی (ع) هستند و به همین دلیل انتساب والیان را عباسیان حقیقی خوانده اند.

استاد علی دوانی در یکی از نوشته های خود در خصوص اعتقادات مردم و والیان پشتکوه می نویسد: مردم استان ایلام خوش عقیده، شجاع و در یک کلام مرزداران دلاور و قابل بوده اند و هستند. می گفتند در ناحیه ی غرب دو کردستان داریم، کردستان بالا که تقریباً غیر از بیجار و نقده همه سنی مذهب هستند و کردستان پایین یعنی همین استان ایلام که همه بدون استثنا شیعه می باشند. شیعیانی پاک و خوش عقیده و عاشقان ائمه معصومین (ع) و در اختیار دین و مسلمانی. در قدیم این استان را پشتکوه می گفتند والیان پشتکوه از زمان صفویه و شاید جلوتر تا زمان رضا خان پهلوی از یک خاندان بوده اند و آنها مطابق شجرهای که داشتند و من هم دیدم خود را اولاد حضرت ابوالفضل عباس (ع) می دانستند.

علما و اندیشمندان

بی شک هر منطقه ای که دارای موقعیت جغرافیایی خاص و همچنین موقعیت سیاسی مهمی در تاریخ ایران بوده است از لحاظ وجود شخصیت های تاریخی آن قابل تامل و تحقیق و بررسی است و از آنجا که منطقه پشتکوه از ایالت های مهم دوره ساسانی و قرون اولیه اسلام و همچنین صفویان تا پهلوی بوده است. لذا شخصیت های مبهمی نیز در این منطقه وجود داشته اند بزرگانی که تاثیری شگرف در دوران حیات خود داشتند و اثری گران بها برای انسان ها و نسل های بعد از خود در حوزه های گوناگون فرهنگی، مذهبی اجتماعی و ... برجای گذاردند و هر کدام به شکل هایی مختلف نقشی بسزا در ترویج و بسط فرهنگ شیعی مردمان ایلام داشته اند.

از جمله این اندیشمندان می توان از ابوتمام صمیری ابوعلی سیروانی، ابوحنس صمیری، ابو جعفر صمیری، علامه الاعرجی پشتکوهی و ... یاد کرد که در این مختصر به شرح حال دو تن از آنان اشارتی کوتاه خواهد شد.

۱. ابوجعفر صمیری

وی از شخصیت های برجسته مهرجا نقدق بوده که هنگام استقرار احمد معز الدوله در اهواز به سمت وزیر در آمد و توانست خدمات فراوانی به این دولت شیعی و ال بویه انجام دهد. از جمله این خدمات همکاری های فراوان ایشان با دولت آل بویه در شکست دادن یکی از سرسخت ترین دشمنانشان به نام بریدی است که قاضی علی تنوخی در کتاب خود بدان اشاره کرده است (تنوخی، ۱۳۷۵، ۱۲۲)

۲. علامه سید جعفر الاعرجی پشتکوهی

فرزند مرحوم سید محمد جعفر می باشد که در کاظمین عاق متولد شد و تحصیلات علمی خود را در نجف اشرف و کاظمین ادامه داده و در همین مکان مقدس به پایان رسانیده است. وی شاکردان زیادی را تربیت نموده است از جمله آنان آیت ... سید شهاب الدین مرعشی نجفی که از بستگان آن مرحوم بوده است. ایشان در زمان قاجاریه و به دعوت علمای قم و تهران به ایران سفر می کند که مسیر این سفر از راه منصورآباد (مهران کنونی) بوده است که مورد استقبال حاکم وقت مرحوم غلام رضا خان ابوقداره به عنوان والی پشتکوه قرار می گیرد. همین دیدار کوتاه و شخصیت والای ایشان سبب گردید که والی مذکور شیفته ی سجایای اخلاقی ایشان شده و از ایشان درخواست فراوان می نماید که در بین طائفه های پشتکوه جهت ادای فرایض مذهبی و ارائه ی دانش و علم و ترویج مذهب تشیع دیدار نماید. با اصرار بزرگان طوایف دیگر علامه در این منطقه اقامت می گزیند و تا پایان عمر در این سامان به سر می برد و در جوار امام زاده علی صالح به خاک سپرده می شود (همان).

نشانه های تشیع

الف) در طی قرن ها و سال ها مسیر کاروان های زائرین عتبات عالیات از ایلام می گذشته است. دکتر هوگو گروته جغرافی دزن و قوم شناس مشهور آلمانی از مشاهدات خود در سفرنامه اش که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری در منطقه ایلام توقف داشته است از این کاروان های زوار مطالب زیبایی به رشته تحریر درآورده ات. او از پیرمرد کهنسالی سخن می گوید که در حالی که عصایی در دست داشته و زانوانش از فرط خستگی میلرزید و در حالی که خستگی این سفر طولانی بر چهره اش نقش بسته بود اما از پشمانش خوشحالی زایدالوصفی برق می زده است خوشحالی که نشان از این می داده است تا او بتواند ائمه معصومین را شفیع خود در آن دنیا بگرداند(گروته، ۱۳۶۹: ۸۸).

ب) وجود زیارتگاه ها و امام زادگان فراوان در این منطقه نشان از بسط و توسعه مذهب تشیع در بین مردمان این سامان داشته است. چرا که معمولا امامان و امام زاده ها و البته به ایشان به طور طبیعی به جاهایی مراجعه می کردند که از آنها استقبال بیشتری می شده است. فراوانی این امامزادگان مقدس در جای جای این منطقه از کشورمان به حدی است که استاد علی دوانی از ارزوی خود برای تحقق ویژه در این خطه از سرزمینمان سخن گفته است که مدم ایلام مخصوصا کوچ نشینان به معتقدات دینی و مذهبی پایبندند و در برخی نقاط که مقبره امامزاده ای باشد هنگام کوچ کردن مازاد اثاثیه و لوازم خانگی خود را در حریم آن به امانت سپرده و عزیمت می نمایند و در طول این مدت کسی جرات دست اندازی به اموال گذاشته شده در حریم بقعه را ندارد(ایزد پناه، ۱۳۶۳: ۷)

اهم زیارتگاه های این منطقه عبارتند از امامزاده علی صالح در صالح اباد، امامزاده سید حسن در شهر مهران، امامزاده سید صلاح الدین محمد در شهر آبدانان و هستند.

ج) آیین ها و باورهای هر قومی ریشه در عقاید، افکار و مذهب رهروان مردم آن سرزمین دارد. در این سامان آیین های فراوانی وجود دارد که نشان از مذهب تشیع دارد. در مراسمات شادی و غم، چله نشینی ها، سوگواری ها و عزاداری ها مردم این خطه می توان این نشانه ها را دید. اما یکی از ویژه ترین این آیین ها، آیین دفن میت امانی بوده است. آیینی که می طلبد به شکلی ویژه مورد بررسی قرار گرفته است و خود موضوع چندین طرح کارشناسی و پایان نامه باشد. آری در این مراسم و آیین و بنا بر وصیت فرد متوفی و در جهت اینکه فرد متوفی علاقه و علقه خود را به امامان معصوم (ع) نشان بدهد و برای اینکه بتواند از شفاعت آنها در آن دنیا بهره مند گردد فرد متوفی وصیت می کرده است که وی را در جوار ائمه معصومین (ع) نشان بدهد و برای اینکه بتواند از شفاعت آنها در آن دنیا بهره مند گردد وصیت می کرده است که وی را در جوار ائمه معصومین(ع) به خاک بسپارند.

در این راستا با توجه به مقدرات و امکانات و محدودیتهای آن زمان از آنجا که بیم این میرفته، جسد در بین راه دچار فساد گشته، به ویژه در ایام و روزهای گرم سال، لذا میت را طی یک دوره مشخص و در یک محل مشخص که اختصاص به این کار داشته است، ابتدا امر دفن می کردند و پس از گذشت مدت زمانی خاص، مثلاً یک سال، شصت روز یا شش ماه از قبر خارج می کردند و از آنجا به عتبات منتقل می نمودند. البته عجیب ترین بخش ماجرا از این قرار بوده است که در طی این مدت کوچکترین آسیبی به جسد وارد نمی شده است و گویا در این امر خاک امانت داری ویژه بوده است. البته بر اساس آنچه که از زبان اندک ریش سفیدانی که خود شاهد بر این ماجرا بوده اند، بدست می آید، صاحبان میت پس از دفن اولیه یک مشت خاک را برداشته و می گفتند: ای خاک این میت ما پیش تو امانت است.

نتیجه گیری

تشیع از دیر باز در ایلام از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. شواهد و قرائن بیانگر این مسئله است که تشیع از سده های نخستین به این سرزمین راه پیدا کرده است. قرار داشتن بر سر مسیر عتبات عالیات و نیز کاروانهای زیارتی، وجود مرز مهران که هم اکنون هم یکی از شلوغ ترین و نزدیکترین مسیر های ارتباطی به کربلای معلا می باشد که از آن به عنوان دروازه ورود تشیع به ایران یاد می شود، همگی نشان از این می دهد که این منطقه از ایران اسلامیمان از همان ابتدای تاریخ اسلام با ورود اصول و عقاید شیعیان رو به رو بوده است. وجود امامزادگان فراوان، داشتن دانشمندان بزرگ، در طول ادوار تاریخی مختلف، والیان مقتدر این منطقه و آیین ها و باورهای مختلف مردم همگی نشان از قدمت بالای تاریخ تشیع در این سرزمین است.

باشد که با اتکا به فرهنگ غنی اسلامی خودمان در جهت رشد و شکوفایی ایران اسلامی بر مبنای مذهب اثنی عشری سبب درخشیدن هر چه بیشتر کشورمان در جهان باشیم.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- الله‌وردی خان، علی اکبر (۱۳۵۴). *تابناک*، مشهد: نشر شومیز.
- ایزد پناه، حمید (۱۳۶۳). *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، جلد اول، تهران: نشر آگاه.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶). *مقدمه‌ای بر شناخت ایل ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران*، جلد اول.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲). *ایلام و تمدن دیرینه آن*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- استارک فریا، سفرنامه الموت (۱۳۶۴). *لرستان و ایلام*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: انتشارات علمی.
- ابراهیم زاده، حسن (۱۳۷۷). *سیمای ایلام سرای صداقت*، تهران: موسسه انتشارات عصمت، چاپ اول.
- اکبری، مرتضی (۱۳۸۳). *تاریخ استان ایلام*، از آغاز تا سقوط پهلوی، تهران: نشر دانش.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۶۶). *وفیات الاعیان و انبیاء الزمان جلد ۳ و ۴*، تحقیق امان عباس بیروت، دار الاحیاء، بی تا.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*، تهران: ترجمه دکتر محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- تنوخی، قاضی ابوعلی (۱۹۹۵م). *نشوار المعاضره و اخبار المذاکره*، جلد ۱، دار مادر بیروت.
- دوانی، علی (۱۳۷۲). *ایلام و آیت الله حیدری*، انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- راولینسون، هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون*، ترجمه دکتر سکندر امان الهی بهاروند، تهران: نشر آگاه.
- ساکی، علی محمد (۱۳۴۳). *جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان*، کتاب فردین محمدی، خرم آباد.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹). *سفر نامه گروته*، ترجمه مجید جلیوند، تهران: چاپ سعدی.